

اگر به مک کین رأی ندهید لولوخورخوره های مسلمان می

خورندتان!

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

هر چه به انتخابات چهارم نوامبر ریاست جمهوری آمریکا نزد یک تر می شویم، دولت اسراییل و لابی های آن در آمریکا بر تلاش خود در به شکست کشانیدن اوپاما و به پیروزی رسانیدن مک کین می افزایند.

شبکه ی جهانی ولتر برای آزادی بیان - شبکه ی معتبری که ده ها نشریه و صد ها کارشناس سیاسی در سراسر جهان را با خود دارد، و تری میسان تحلیل گر برجسته ی فرانسوی بنیانگذار و مسئول آن است - در روز ۲۲ سپتامبر اطلاع داد که در فاصله ی فقط دو هفته، بیست و هشت میلیون خانواده ی آمریکایی، به صورت مجانی دی وی دی فیلم «دغدغه ی بی پایان: اسلام رادیکال در نبرد با غرب» را در خانه هایشان دریافت کرده اند.

این بیست و هشت میلیون خانواده، در ایالاتی از آمریکا زندگی می کنند که در آن ها نتایج انتخابات ریاست جمهوری، از بقیه ی ایالات، نامشخص تر و غیر مطمئن تر است. مخصوصاً اوهایو، میشیگان، فلوریدا، کلرادو، کارولینای شمالی، پنسیلوانیا، و میسوری.

هدف، این است که مردم این ایالات را قانع کنند که به مک کین رأی دهند. چرا که پیروزی اوپاما برای اسراییل خطرناک است؛ در حالی که مک کین می تواند با ادامه ی سیاست بوش، فرصت های بیشتری را برای آتش افروزی اسراییل در منطقه فراهم آورد.

مخارج این «عملیات» تبلیغاتی، بیش از پنجاه میلیون دلار ارزیابی می شود که حاخام بزرگ، «افرایم شر» آن را تأمین کرده است.

این فیلم در سال ۲۰۰۶ به وسیله ی یک مدرسه ی آموزش بنیادگرایی یهودی به نام Aish HaTorah تهیه شده است. این مرکز ارتجاع مذهبی و نژادی، به صورتی

کلان توسط دولت اسرائیل تغذیه ی مالی می شود؛ و یک مؤسسه ی تبلیغات و روابط عمومی هم به صورت جداگانه تأسیس کرده است که یکی از تازه ترین شاهکار هایش برپا کردن تظاهرات علیه جیمی کارتر است به «حرم» آن که با فلسطینیان ابراز همدردی کرده است و گفته است سیاست اسرائیل در برابر مردم فلسطین، سیاست آپارتاید است.

بر خلاف آنچه سالوسان حاکم بر ایران ادعا می کنند، بخش مهمی از مردم اسرائیل را صلح طلبانی شرافتمند تشکیل می دهند که طنین صدایشان را می توان در سکوت «مادران سیاه پوش» (۱) و در فریاد فرهیختگانی چون «آهارون شابتی» ها (۲) و میشل وارشاوسکی ها (۳) شنید. هرچند که دولت اسرائیل بر مبنای اصالت نژاد و مذهب، و با تکیه بر ارتجاعی ترین دگم های مذهبی حرکت می کند.

بن و بنیان کولونی سازی و کولونی نشینی هم بر همین دگم ها استوار است؛ و ساکنان کولونی ها یعنی کولون ها یهودیانی اکثراً به شدت نژاد پرست، و به لحاظ «مذهبی» بنیادگرا هستند که از اینطرف و آنطرف دنیا به سرزمین های اشغالی فلسطینی هجوم آورده اند و در دل این سرزمین ها آبادی های کوچک و بزرگی را بنا کرده اند و با بهره گیری از بهترین امکانات، سرخوش و سیر و مرقه، درپناه حفاظت نیروهای نظامی اسرائیل، به فلسطینیان گرسنه پی پوزخند می زنند که غالباً یک یا چند تن از اعضای خانواده شان به دست سربازان و یا خود اینان - که «برای دفاع از خود» مسلّحند - کشته شده اند، و حالا برای به کف آوردن یک لقمه نان به خون دل آلوده، یا از نیمه شب تا صبح در صف های طولانی پست های بازرسی اسرائیل، انتظار اجازه ی ورود به شهر ها و شهرک های دور و نزدیک را برای کار های پرمشقت می کشند، و یا کشت و زرع می کنند تا به هنگام برداشت محصول، سر و کله ی کولون های انگل پیدا شود که مانع زیتون چینی آن ها شوند و بگویند که محصول «خاک مقدّس» از آن ما وارثان خاک مقدّس است نه شما.

این ها برای خود در وسط سرزمین های فقیر فلسطینی، از اموال و منابع به غارت گرفته شده ی فلسطینیان، زندگانی شاهانه ای فراهم آورده اند که آن را به رخ ساکنان محروم این سرزمین ها می کشند، و اگر هم فی المثل یک کودک

گرسنه ی فلسطینی، به عنوان دهن کچی، سنگی به اتوموبیل یکی از این ها پرتاب کند یا خودشان با سلاحی که دولت در اختیارشان قرار داده است خدمت او می رسند، و یا بر او آن می رود که بر سلطان مهدی و سلطان مهدی ها رفت.

(۴)

و حالا با کمک مالی بی دریغ دولت اسرائیل، چند آخوند مرتجع «یهودی» که قوانین عهد عتیق را - و لابد چگونگی و کم و کیف و «قواعد شرعی» سنگسار «زنا کاران» را نیز - در کلاس درسشان آموزش می دهند، با ساختن یک فیلم به جنگ بنیادگرایی اسلامی آمده اند!

و این فیلم ۷۸ دقیقه پی را در هر جا که دستشان رسیده است، و مخصوصاً در کنگره ی آمریکا به نمایش درآورده اند.

تلویزیون شبکه ی آمریکایی معرف فاکس نیوز - کارگزار جنگ افروزان اسرائیلی و آمریکایی، و کارفرمای جنگ افروزان ایرانی - هم برای این فیلم سنگ تمام گذاشته است.

تری میسان طی مقاله ی مفصلی که در مجال این چند سطر نمی گنجد، این فیلم را سکانس به سکانس تجزیه و تحلیل کرده است و نشان داده است که سازندگان آن چگونه با استفاده از تمامی شیوه های دروغ پراکنی، و با بهره گیری از دوز و کلک های تکنیک فیلم سازی، و مونتاژ صحنه های نامربوط با همدیگر، همه ی توانشان را به کار برده اند تا ایده هایی نادرست را در قالب یک فیلم به اصطلاح مستند به مردم کشور های غرب القاء کنند:

- جهان اسلامی معاصر، خطرناک تر از آلمان نازی است.

- آنچه شما به عنوان عملیات «جهادست» ها و بمب گذاران می بینید، فقط نوک نیزه است. وگرنه مسلمانان، بالقوه تمامشان مثل جهادست ها هستند و اینطور پرورش می یابند.

- جهان اسلام و جهان غرب، رو در روی همدیگر قرار دارند و آنچه مردم فلسطین و دیگر نقاط خاورمیانه در مقابله با اشغال سرزمین هایشان انجام می دهند هیچ ربطی به دفاع از حق و حقوق خود ندارد، بلکه به منظور انهدام غرب انجام می

پذیرد. (۵)

به نوشته‌ی تری میسان، جنگ طلبان آمریکایی و اسرائیلی برای موجه جلوه دادن جنایات مکرر خود در خاورمیانه به نزد افکار عمومی جهان، نیازمند به آنند که چهره‌ی بی‌غیر انسانی از مردم خاورمیانه ترسیم کنند، و رفتار تعداد قلیلی افراطی در خاورمیانه را انعکاس عملی خلق و خو و ذات تمام مردم خاورمیانه معرفی نمایند. او تهیه‌ی این فیلم را فقط یک نمونه از این نیرنگ بهره‌مند از تکنولوژی جدید و رسانه‌های جمعی می‌داند.

تری میسان با تکیه بر جزء به جزء فیلم، دروغ‌های نهفته در آن را، و سوابق «کارشناسان» و مفسرانی را که در فیلم از آن‌ها استفاده شده است بر ملا می‌سازد.

مثلاً در این فیلم، یک کارمند روزنامه‌ی دست راستی اسرائیلی ژروال پست را به عنوان یک «ژورنالیست فلسطینی» به تماشاگر معرفی می‌کنند؛ و مشاور عملیات روانی ارتش اسرائیل در زمان نخست‌وزیری نتان یاهو را بدون اشاره به سوابق او، به عنوان یک تحلیل‌گر بی‌طرف غربی به صحنه می‌آورند. یا یکی از لبنانی‌های همکار ارتش اسرائیل در لبنان را که بعد از فرار اسرائیل از این کشور ناچار شد که خود نیز از لبنان بگریزد - باز بدون اشاره به سوابقش - تحت عنوان کارشناس وارد میدان می‌سازند تا ادعا کند که حماس، در تمام آمریکا و اروپا سازمان‌های تروریستی مخفی برپا کرده است. و موارد فراوان دیگری از این نوع «زرنگی» ها...

در این فیلم، ضمن تظاهر به این که قصد «اهریمن‌سازی» از مسلمانان در کار نیست، با جعل اعداد و ارقام، چنین وانمود می‌شود که تعداد مسلمانانی که انهدام آمریکا را هدف اصلی خود قرار داده‌اند معادل تعداد تمام جمعیت آمریکاست؛ و سپس با استدلالی صوری و عوامفریبانه چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مسأله‌ی آمریکا چند گروه کوچک «جهادی» نیست. بلکه آمریکاییان باید با نگرانی به تعداد خودشان دست و پنجه نرم کنند.

حاحام‌های بنیادگرای یهودی و گردانندگان یک مرکز آموزش ارتجاع و نژاد پرستی

که این فیلم به سفارش آن‌ها و با خرج آن‌ها ساخته شده است، فضا را برای تماشاگر غربی چنین ترسیم می‌نماید:

همه ی مسلمان‌ها باید مورد سوء ظن قرار بگیرند، مگر آن که ثابت شود که توانسته اند خودشان را با ارزش‌های غربی منطبق سازند.

تری میسان، به طور خاص بر این نکته تأکید می‌کند که تهیه‌کنندگان این فیلم، در جا به جای فیلمشان در پی آنند که بگویند که استفاده از سیاست «اپیزمنت» و «مماشات»، نتیجه‌ی مشابه استفاده از همین سیاست در برابر آلمان نازی به بار خواهد آورد، و بنابر این لازم است که «جامعه ی جهانی» دست از مماشات بردارد و قبل از آن که دیگر دیر شود قاطعیت نشان دهد!

محمد علی اصفهانی

۸ مهر ۱۳۸۷

۲۹ سپتامبر ۲۰۰۸

www.ghoghnoos.org

پانویس‌ها

۱ - جنبش «زنان سیاهپوش» را هفت بانوی صلح طلب اسرائیلی، در ژانویه ی ۱۹۸۸ در بیت المقدس غربی، به عنوان اعتراض به اشغال سرزمین‌های اعراب، پایه ریزی کردند.

جنبشی که خود از جنبش‌های زنان دیگر در آن سوی جهان الهام گرفته بود: زنان آفریقای جنوبی عصر آپارتاید؛ و مادران و مادر بزرگان میدان «ماه مه» آرژانتین، که هر هفته برای دادخواهی فرزندان و نوه‌های گمشده‌شان، گرد هم می‌آیند. جنبش «زنان سیاه پوش» اسرائیل، با گردهمایی‌های ساکت در لباس سیاه، همراه با پلاکارد‌ها، و نشانه‌هایی به هیأت یک «دست» با این شعار همیشگی در سکوت که: «به اشغالگری پایان دهید!»، اینک در سراسر اسرائیل، و در سراسر جهان، ریشه دوانیده است.

۲ - آهارون شابّتی (شابتای) یکی از بزرگترین و نام‌آورترین شاعران معاصر زبان

عبری است. با در حدود ۲۰ مجموعه ی شعر، و چندین ترجمه ی درخشان از هنر و نمایشنامه ی یونانی به زبان عبری. و چند دکترا از دانشگاه هایپ چون کمبریج و سوربن. او نیز همچون همسر خود Tanya Reinhardt استاد دانشگاه ها ی تل آویو است.

آهارون شابتی، لحظه یی درنگ نمی کند در این که ژنرال های آدمکش اسرائیلی را، که به نظر می رسد علاقه ی خاصی به قتل زنان و کودکان فلسطینی و برانداختن نسل فلسطینیان از جهان، و نسل کشی جمعی آن ها دارند، با نازی ها مقایسه کند.

تانی، همسر او، علاوه بر مقام علمی برجسته اش، بیشتر به مواضع قاطعانه اش در مقام یک استاد دانشگاه های اسرائیل، در حمایت فعال از تحریم کادرهای دانشگاهی اسرائیل در تمامی محافل دانشگاهی و کنفرانس های علمی سراسر جهان، شناخته شده است. موضعی که موضع مشرک بسیاری از یهودیان آزاده در سراسر جهان و خود اسرائیل است. از جمله سازمان های «یهودیان اروپا برای یک صلح عادلانه»، و «سازمان وحدت یهودی فرانسه برای صلح» که به تحریم همه جانبه ی فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی اسرائیل تا پایان کامل اشغال سرزمین های عبری فراخوان داده اند.

برای شناخت بیشتر آهارون شابتی، از جمله مقاله یی به همین قلم با عنوان «نگاهی به نامه ی آهارون شابتی، همراه با ترجمه ی دو شعر از او»:

<http://www.ghognoos.org/khabar/khabar06/shabatai-fr.html>

۲ - Michel Warschawski فرزند ماکس، حاخام بزرگ، در شانزده سالگی، از فرانسه برای تحصیل علوم دینی یهود به اورشلیم رفت؛ و در آنجا، به زودی به صفوف مبارزه با ایده ی صهیونیسم پیوست.

در سال ۱۹۸۴ AIC مرکز اطلاعات آلترناتیو را در اسرائیل بنا نهاد که چند حرکت صلح طلب اسرائیلی و چند سازمان فلسطینی را در بر می گیرد.

حکومت اسرائیل، پنج سال بعد، او را به دلیل کمک به جبهه ی مردمی آزادی فلسطین، به رهبری جرج حبش، به بیست ماه زندان محکوم کرد.

او در فاصله ی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ همراه با دومینیک ویدال از لوموند دیپلماتیک، و لیلا شهید - نماینده ی فلسطین در اتّحادیه ی اروپا - مجموعه

کنفرانس هایی در شهر های مختلف فرانسه برگزار کرد که به خصوص با هیاهوی روزنامه ی دست راستی فیگارو و سازمان موسوم به «فرانسه - اسرائیل» روبرو شد و کار به آنجا رسید که او را از سخنرانی در محافل دانشگاهی فرانسه محروم کردند .

میشل وارشاوسکی از تر تأسیس یک کشور و دولت واحد دو ملیتی متشکل از اعراب و یهودیان، در منطقه ی فلسطین بزرگ، دفاع می کند.

از میشل وارشاوسکی: «در فلسطین چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟» به ترجمه ی همین قلم:

<http://www.ghognoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>

۴ - سلطان مهدی، پانزده ساله، اینطور حکایت می کند: سربازان، مرا به اتاقی بردند و روی یک صندلی نشاندهند. دستبندم را برداشتند و مرا از دست ها و پاهایم به صندلی بستند. از من پرسیدند: تو در یک جاده ی اصلی به سمت یک ماشین ارتشی، سنگ انداخته ای؟ من انکار کردم. اما دو یا سه نفر آن ها شروع به کوبیدن بر سر و صورت من کردند.

بازجویی، نزدیک به پنج ساعت طول کشید. بعد، مرا به یک حمام در کنار سالن بازجویی بردند. یکی از آن ها موهایم را گرفت و سرم را در چاهک مستراح فروبرد. وقتی که مرا دوباره به سالن بازجویی برگرداندند گفتم: پنج سنگ به طرف ماشین یک کولون پرتاب کرده ام...

...طبق نظر سازمان غیر دولتی اسرائیلی B' Tselem سرویس امنیّت ملّی اسرائیل سالیانه هشتصدو پنجاه زندانی را شکنجه کرده است.

این سازمان غیر دولتی اسرائیلی، که به تفصیل از شکنجه های اعمال شده بر کودکان نیز می نویسد، گزارش ها یش را روی سایت اینترنتی خود به نشانی زیر منتشر می کند:

www.betselem.org

از مقاله ی اومانیته با عنوان «درپس پشت حصار های اشغال» به ترجمه ی همین قلم:

<http://www.ghognoos.org/khabar/khabar15/hessar.html>

۵- منطق اسرائیل منطق «تصادم تمدن‌ها»ست: اسرائیل، بهانه می آورد که دارد از ارزش های جهان غرب، جهان خود متمدن خوانده، در دل خاور نزدیک و خاورمیانه ی «مرتجع»، پاسداری می کند. و آن وقت: دولت های غربی، از جمله دولت فرانسه، می گویند که اسرائیل، حق دفاع از خود دارد...
از فراخوان «وحدت یهودی فرانسه برای صلح» به تحریم همه جانبه ی اسرائیل،
به ترجمه ی همین قلم:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar02/ujfp.html>